بعون صانع مکین و مکان فضل خلاق زمین و زمان

رساله تنبیه الانسان

در مطبع نامی منشی نولکشور بطبع مزین مقبول جهان شد

چون نصائح کہ مکینان فضل خدا زبان

رسالہ تنبیہ الانسان

در مطبع منشی نولکشور مشہور جہان طبع شد

بسم الله الرحمن الرحیم

حامداً و مصلیاً و مسلماً [illegible] الانسان فیما یکرم و یحل من الحیوان مستعیناً بالله الملک المنان
انه نعم المجیب [illegible] الاحسان [illegible] فعل غیر مشروع [illegible] و در لغت [illegible]
و در اصطلاح [illegible] ثابت شده [illegible] بنهی از ان و کدام دلیل [illegible] معارض نشده
و حلال داشنده آن کافر است بالاتفاق و دوم مکروه و در لغت بمعنی ناپسندیده و در اصطلاح [illegible]
و در ان نهی ثابت شده و دلیل دیگر [illegible] کافر نشود [illegible]
و قسم او تحریمی و تنزیهی اول قریب بحرام و دوم قریب بحلال کذا فی التلویح ف اگر لفظ کراهت
در عبادات مذکور شود مراد از ان [illegible] تنزیهی [illegible] و مکروه تحریمی
مراد بود کذا فی [illegible] و ذکر امام اعظم ابوحنیفه کوفی امام [illegible] نعمان بن ثابت ولادت وی در سنه
هشتاد و وفاتش در یکصد و پنجاه و در [illegible] از تابعین و تبع تابعین اختلاف است لیکن برین
اتفاق است که در زمان وی چند صحابه بودند چون انس بن مالک در بصره و عبدالله بن ابی اوفی در کوفه
و سهل بن سعد الساعدی بمدینه و ابو الطفیل عامر بن واثله بمکه که آخر صحابه [illegible] بود و در
وفات [illegible] با وصف وجود چند صحابه در زمان امام صاحب ملاقات با ایشان [illegible]
جدا و الله اعلم و حضرت حسن والد بزرگوار امام [illegible] جناب [illegible]
و عبدالله بن مبارک و ابراهیم ادهم و داود طائی و فضیل بن عیاض [illegible]
حضرت [illegible] روایت [illegible] چهار هزار [illegible] آمدند

و مشایخ مالکی هستند و هنگام اختلاف فیمابین اصحاب او و در تفصیل ابوحنیفه و مالک و اهل مدینه
و مانند آن اختیار نموده اکثر بر مذهب او شده و امام شافعی از شاگردان شاگرد امام اند و امام شیخ مالک
[illegible] اختیار کرده و افضل اصحاب ابویوسف و محمد شیخ الطحاوی و الکرخی رحمهم الله و غیره عینیانی
و بعضی [illegible] ابواسحاق شیرازی و امام الغزالی و امام الرافعی و امام النووی که مصنف رسالهٔ [illegible]
و رجال در حق ایشان قال ابویوسف في حق ابی حنیفة [illegible] من الخیرات [illegible] رضا الرحمن
و دین النبی خیر الوری ثم اعتقادی مذهب النعمان و قال الشافعی [illegible] البلاد و
من علیها و امام المسلمین ابوحنیفة [illegible] و لا [illegible] و قال احمد بن حنبل
و انی لا احصی ثناء خصاله و لو ان اعضائی [illegible] هرگاه از بیان بعضی حرام و مکروه که در بیان
از امور ضروریه بود و ذکر مناقب امام اعظم که شایقان صدق و طالبان یقین را موجب هیجان
ذوق و اعتصام بمذهب حنفیه باشد فارغ شدیم آمدیم بر سر مطلب یعنی ذکر حیوانات حلال و حرام بترتیب
حروف تهجی مع خواص و احکام با حفظه باب الالف — ابل — یک تن شتر ابن ماجه
حدیثی از آن حضرت روایت کرده که فرمود شتر عزت است مر صاحب خود را
و قال الله تعالی ناقة الله و سقیاها و الی الابل کیف خلقت و از صفتهای اوست که اکثر روی قبله
رو دو از آواز حدی مست گردد و حکم گوشت و شیر او بالاتفاق حلال است بنص و اجماع
و در مذهب حنبل و بعض شافعیه و نزد بعض صحابه گوشت او وضو می شکند و امام اعظم و مالک و اکثر شافعیه
و صحابه کبار و ابن مسعود و غیرهم رضی الله عنهم اجمعین انکار آن و از شد و مکروه است نماز در خوابگاه
شتران نه که پلیدان و نجاست ابل او نجس است و نزد امام محمد طاهر است و شرب و حرام اتفاقا
و بداوی بدان روا نزد ابویوسف و در قربانی شتر افضل است از گاو و خواص هم در رد خشک
[illegible] و حکم [illegible] اگر [illegible]
[illegible] اگر [illegible] و در گرد و دو
از جمله حیوانات در عزت ممتاز است که [illegible] و الله اعلم — ابن عرس
کنیت راسو است و دشمن نهنگ است در دهنش میرود و جگرش میگزد و ماده او از گوش بچه زاید
حکم نزد حنفیه و اما سه حرام است بالاتفاق و در اصحاب شافعی اختلاف است و نزد مالک مباح

خواص و دماغ او اگر در چشم کشند تاریکی دور کند و گوشت او اگر بر مفاصل نهند نفع دهد و از بالیدن
بیرون [illegible] اگر با سود موش یکجا پخته کنند در انجا خصومت واقع شود و این آدمی کیست
[illegible] با [illegible] شغال القیح گویند و در زبان [illegible] هم رسید و وحشی نشود حکم نزد امام یا حرام
و شافعیه و امامیه همین است [illegible] خواص زبان او اگر در خانه گذارند خصومت و دعوا
شود ارنب خرگوش [illegible] اگر خرگوش گویند [illegible] را عکر شدا باشند زنان [illegible]
و مدت حمل او [illegible] و [illegible] صاحب [illegible] کرد و او را [illegible] بکرد [illegible]
خنثی و حیض از وی [illegible] و چشم او وقت خواب [illegible] بالاتفاق [illegible] امام و عبدالله
بن عاص کراهت او مروی است [illegible] خواص اگر [illegible]
درد و ورم اگر دماغش بریان بخورند [illegible] الارنب [illegible]
او مثل ماهی بهندی کاشانا مند حکم حرام است بالاتفاق خواص [illegible] گفته که [illegible]
سموم است هر که بخورد او را [illegible] اسد [illegible] شیر پادشاه جانوران است بسبب شجاعت
ارسطو گفته که شیر [illegible] روی او مثل آدمی و بدن او [illegible] باشد [illegible]
و از دهانش بوی بد آید [illegible] [illegible]
شیر انیست اَللّٰهُمَّ لَا تُسَلِّطْنِي عَلَىٰ أَحَدٍ مِّنْ خَلْقِكَ بِالْمَعْرُوفِ [illegible]
گوید اعوذ بالله و ما یجب من شر الاسد [illegible] حنفیه و شافعی [illegible] و مالکیه
خواص اگر پیه او بر خود مالد درندگان گریزند و استخوان [illegible]
از کرم مصون دارد و گوشت او نافع فالج [illegible] پوست او [illegible]
کف دست [illegible] سام ابرص [illegible] بزرگ دارد [illegible]
[illegible] رنگش غبار آلود [illegible] دست و پا دارد [illegible] حلال [illegible] شافعیه [illegible]
حنفیه و امام [illegible] قول است باب الباز بازی لفظ عربی است [illegible]
[illegible] باز اسم ماده است [illegible] شاهین [illegible] اصناف و است
حکم حرام است جمیع انواع بالاجماع [illegible] مکروه است [illegible] شکاری هم مکروه بود خواص
دماغ باشد نافع خفقان سوداوی [illegible] بگلاب بخورند [illegible] اگر در چشم کشند ظلمت دور کند

ببر و صفت آن اختلافست بعضی گویند دد زیست که روباه پیش پیش او آواز کنان میرود و
تا دیگر جانوران دانند که شیر می آید و نزد بعضی شیر است که در هند سیم ریزد و بآن لقب نهند که تحقیق
جانوری صحرائی شبیه گربه و فربه از دو ازان و چون بیکن نیشتر بکشون تاقی اوزید است شیوه حکم حرام است اتفاقا
ببغا بفارسی توتی و آن چند قسم است سبز و سرخ و سفید زمخشری گفته که ببغا آواز میکند
و ذکر این کانت الدنیا بهمه حکم حلال نزد امام اعظم و حنبل و بعض
شافعیه و حرام نزد مالک و بعض شافعیه توتی را در قفس کردن جائز نیست مگر بیع جائز
خواص هر که زبانش خورد فصیح گردد و خوردن زهره او لکنت زاید والله اعلم البغل
بفتح بای موحده و سکون غین معجمه استر متولد شود از اسپ و خر حرام است نزد شافعیه و نزد
حنفیه اگر مادرش حلال بود حلالست فی الاحرام و نزد امامیه مکروه و جفت کردن با خر مکروه
است نزد بعض علما و فتوی بر عدم کراهت است و آنحضرت صلی الله علیه وسلم منع فرمود
حکمت تکثیر نوع فرس بود و کتاب الاذکی و بیحور ده استر مشترک است و علفش حکم مادر خواص
اگر ... استر ... گرده در آب انداخته زنان بر او شاشند حامله نگردد و اگر سمش سوخته بروغن آمیخته
بر کسی که موی نداشته باشد بمالند موی برآرد و اگر سم استر سیاه با خون در آستانه خانه دفن کنند موش
گم گردد و از خواب آنکه کسی کور کام داشته باشد افگنده استر شمیده بر آن لقمه انداخته در راه نهد
هر که بران گذرد خر کوهی گردد و این کس به شود البغاث بر سه حرکت مرغی مردار خوار
و دیر پرواز بچر بدر مثل است ان البغاث بارضنا یستنسر
بغاث در زمین ما کرگس میشود ای ضعیف قوی گردد و خوار ارجمند شود و بعضی ترجمه آن به باخورک
و بعضی بابابیل کرده اند حکم حرام است بالاتفاق بقر وحشی گاو دشتی
که آنرا نیله گاو نامند و در حیوة الحیوان چهار نوع گفته شده گاو
گوزن که بهندی باره سنگها گویند و گور خر و نرگاو و کلان سال حکم حلال
بجمیع انواع بالاجماع و نزد امامیه هم خواص هر که شاخ او
همراه دارد درندها گریزند و اگر در خانه بخور کنند مارها گریزند و از بخور موی
او موش بگریزد و اگر شاخ او سوخته در اشربه حل کرده بخورند مسهل است

بقر یعنی گاو و در ازونبال نیز گویند و گاومیش هم از انواع اوست حکم گوشت و شیر
او حلال بالاتفاق و [illegible] سرگین او ممنوع [illegible]
او اختلافست و صحیح جواز انتفاع [illegible] خواص [illegible]
[illegible] یک سال [illegible]
[illegible] گاو [illegible] بعل یعنی [illegible]
[illegible] حلال است اجماعا [illegible]
حکم جمیع انواع حرام است بالاجماع مگر [illegible] روایت [illegible] شافعی [illegible]
در عوام هند و عرب است که بوم [illegible] نیست [illegible]
ثعلب روباه [illegible] طلب رزق [illegible]
بلکه مرده [illegible]
[illegible]
حکم حلال نزد شافعی و مالک حرام نزد حنفی [illegible]
[illegible] حرام خواص [illegible]
[illegible] سفید است [illegible]
[illegible] روایت است از ابن عمر [illegible]
[illegible] اگر [illegible]
[illegible] حیوان است [illegible]
حلال است بالاجماع مگر مالک [illegible] حلال گفته [illegible] خواص [illegible]
[illegible] از عجائب آنکه [illegible] جعل [illegible]
[illegible] سرگین می ماند و از بوی گلاب می میرد و اگر مرده او [illegible] سرگین گاو اندازند زنده گردد حکم
حرام است اکل او بسبب نجاست خواص جعل خشک برای گزیدن کژدم نافع است
جلاله بفتح جیم و تشدید لام ماده گاو پلید خوار و در حیوة الحیوان نوشته جلاله
[illegible] حیوانیست که [illegible] خورد و حضرت از سواری آن منع فرموده بجهت گندگی

عرق دے حکم شده که البته دارند تا سجم او خشک گردد و بعد از آن بخورند و نزد مالک بعد
ذبح سجم او را خوب بشویند و همچنین هر بچه که از شیر مادر گوشت پرورش یافته حکم جلاله دارد
مکروه بکراهت تنزیه و نزد بعضی شتر جلال را چهل روز نگاه باید داشت و گاو را بیست روز و گوسفند را ده روز و مرغ را سه روز بسته پرورش دارند
و آب و دانه خورانند و نزد بعضی همه را سه روز و مرغ خانگی را دو روز و تحقیق خلاف بسیار است و اصح آن
که تا زوال بو مقید دارند و در حل و حرمت جلاله اقوال مختلف روایت کرده اند اصح آنکه بی
حبس هم مباح است و حبس مستحب و از خوردن ماکیان که چه گردد باک نیست که اتفاق حبس نه داد تا سه
هم جلاله حرام است تا وقت حبس او و کیفیت استبرا اختلاف است میان آنها و الله اعلم
باب الحجار خباری بفتح خا مرغی است که پرنده است آبی شبیه به گنجشک و آنرا بعضی به سرخاب تعبیر کرده اند
و بعضی به بوقلمون و بضم شین هم آمده بسیار تیز پرید و شخصی در بصره شکار کرد و در شکم او سنگی سیاه و آنکه در بلاد
شام می باشد یافته شد و او در بلاهت ضرب المثل است کل شیء یحب ولده حتی الحباری
حکم حلال صاحب قاموس در شرح اسماء دمت (؟) نوشته که آنحضرت خورده اند و نزد امامیه مکروه است
کذا فی الشرایع خواص اگر در او با کسی ... آب ... کنند و در شکم او سنگی باشد که اگر کسی ببندد
احتلام نکند و رعاف و اسهال کم شود و حمر با آفتاب پرست گرد آفتاب میگردد و رنگ برنگ شود
ماده او را ام حبین گویند و از جا حرکت نکند و سر او پا و گردن و غیره را صید کنند و گزیدن او زیر کنند حکم حرام بالاتفاق
حمار وحش خر وحشی که آنرا گورخر هم گویند ابن خلکان گفته انتهای عمر وحشی تا هشتصد سال است
و در نگاهی او مخالف باشد از آن جمله شیر رنگ عمر دراز دارد حکم حلال بالاتفاق و بچه که او پاک
و در آن رنگ جهیده ... که از اهلی ... وحشی ... تابع مادر است در حل و حرمت
نزد امام و تابع پدر نزد شافعی و الله اعلم اگر حمار وحش حرام گردد و اگر اهلی وحشت
گیرد حلال شود و در مذهب ایشان و نزد حنفیه حل و حرمت به دستور ماند در کافی نوشته
که هر جانور که اهلی حلال است وحشی آن نیز حلال و بالعکس مگر که نص خلاف آن وارد شده باشد
و هر که گوشت او حلال است شیر او هم حلال است خواص گوشتش غلیظ مولد سودا و
نظر در چشم او موجب صحت چشم و منع نزول و اکتحال زهره او نور دیده و اکل زهره او دافع مرض
نشناختن در جامه خواب است حمار اهلی نیز ... از گوشت بعد از سی سال ... ماده

جهد و از حیوانات غیر اسپ و خر نیز عجیب بمعنی جهد و اقل است از روسه موذیت و اکثر از راه
درمیت حکم حرام بقول اکثر نزد مالک و امامیه مکروه و در اول اسلام حلال بود و رخصت اکل
از ابن عباس در روایت محمول بر مخمصه است و ملا علی قاری فرموده که سپس نیز و بار منسوخ شد
و حمار اهلی و قبله و شیر او مکروه تحریمیست کذا فی الهدایه و از افتادنش چاه نجس نشود با لم
و در ان شو گویند نیست و نزد حنفیه از گذشتن پیش مصلی نماز نا سد نگردد و خواص گوشت عقعق
ز ابازگوید بخیر سوار کنند و تجارت منتقل شود و همچنین اگر در گوش او گوید که مر اعقب بیا
ار گزیده ... تسکین یابد و الله اعلم حمام کبوتر از طبیعت اوست که با شیانه باز آید
اگرچه بیشتر از فرسخ رفته باشد و طی کند سه هزار گروه در یکروز و عجبتر آنکه خبر باد و خود و باد و بغیر
نر خود میل نکند و بوسه گیرد در وقت گشن و فی پروردن کبوتر برای مطالعه صنع الهی
یا دفع وحشت باک نیست فاما پرانیدن فاسق است گواهی او مقبول نه نزد ابی حنیفه و مالک
چه تعذیب جانور بی وجه شرعی درست نبود و بمذهب شافعی بحر و لعب ... شهادت توان کرد
و همچنین طیور نیز روا است نزد حنفیه نه شافعیه خواص داشتن کبوتر مانع از فالج
و سکته و مرض بیداری و تهیب جنات و لحم او مبهی حمار قبان ... را گویند و در اصفهان
خر خدا و بشیرازی همک دابه مستدیر بقدر ... و ... شکم لاغر و پشت قبه دار و هنگام رفتن بجنب پایها
دیگر اعضا او نمودار نشود و سر ... معلوم نشود و وقت لمس مدور گردد و در جای ... باشد
... حرام از جهت خباثت ... خوردن ... نافع حبس البول و یرقان ... باسیدن
از ... و بحکم خدا و الله اعلم حوصل ... بسیار خوار بزرگ حوصله ...
سنگ اندازد ... آبی است منقارش ... و از ان پشت خارجی سازند و ... مثل
مرغابی و در مصر بسیار باشد از آب الفت دارد و اکثر ماهی میخورد ... از طرز کلام نووی ...
حنفیان حرام است و رافعی از اصحاب شافعی قائل حل است حیه مار مذکر و مؤنث در و
یکسانست ابن خالویه برای او صد اسم ذکر کرده و چون حیه همراه آدم از جنت آمده ... شد
... اعتقاد عمرش تا هزار سال ... شد ... نمیرد تا کشته نشود و هر سال یکپوست گذارد و سی بیضه ...
... ازان ... بسی میرد و مولینا و استادنا ... لطائف اللغات ... فرموده که مار نمی میرد ...

تا گزیده نشود و بهتری از انواع آن نیز ذکر نموده شد من اراد الاطلاع فلیرجع الیه و بدترین
انواع آن افعی است و نزد آن اگر کنند بعد سه روز باز برآید دوم اگر ببندد بار دوم برآید بدان
شخص به تنه مگیرند و چون کور شود چشم بر پا و پای آن سبز ساید بینا شود چنانچه شاعری گفته
زمردی که کند کور چشم افعی را چشم [illegible] زلف تو بر پا و پای آن ترسا
زبان کسری بار می از عقرب وا و خواه آمده تخم ریحان از دهن انداخت آن انداخته شد
و کسی کثیر از کام بود و را نافع است حکم حرام است جمیع انواع و نزد شافعی
بکر و قتل حرام است به طریق وجوب ف اگر مار در چیزی افتاد و بمیرد
نجس نیست نزد امام اعظم و نزد ابو یوسف اگر دم مسفوح دارد نجس است و الا
نه پوست مار خرد به دباغت پاک نشود قمیص مار یعنی کیچلی پاک است کذا فی الزیلعی
والبحر الرائق و افسون مار اگر در ان شرک نبود پاک نیست خواص از دو اشتن
پوست [illegible] او در جامه موش خراب نکند خطاف بضم خا و تشدید طا پرستوک ایشان از [illegible]
گویند پشت دوم و منقار سیاه و سینه سپید دارد کذا فی المشالیس و این انواع است و در حرم
و سقف مسجد ها باشند و بعضی گمان برده اند که طیر ابابیل همان است حکم حلال نزد حنفی حرام
نزد شافعی و نزد امام [illegible] خواص طلا زهره او موی سفید را سیاه کند و دلش مقوی
باه اگر خشک کرده و ساییده بخورند حکم او مورث بخوابی خفاش شب پره بعضی گویند صغیر
خفاش است و کبیر وطواط و حیض بیند و از جمله طیور مخصوص بزاییدن بچه و بعد از دهن کند
و بچه را شیر دهد آنرا مرغ مسیحا از آن رو گویند که عیسی عم باذن خدا او را ساخته حکم حرام
بالاتفاق خواص نگاه داشتن دل او وقت شهوت مقوی باه اگر خونش [illegible] زیار بچه بالند
موی نروید خنزیر بالکسر خوک و آن داخل بهائم است و در سباع هم زیرا که ناب دارد و مردار
و گاه و گیاه میخورد و شهوت بسیار دارد حکم حرام است گوشت و فضله خود و نگاه داشتن آن
و اگر چیزی پلید گردد از خون یا لعاب او پاک نشود بشستن سه بار نزد امام و نزد شافعی
هفت بار و نماز بر موزه و رخت از موی او روا نبود و مسح بتوان کرد و در انتفاع از موی او
اختلاف است خواص اگر استخوان او سوخته سائیده بر ناسور مالند به شود خنزیر البحری

خوک دریائی حلال نزد شافعی وغیره حرام نزد ابی حنیفه پرسیدند از مالک یا در بحر خوک
نیست گفت نه بلکه عرب آنرا [illegible] می نامند [illegible] انواع است
جمل [illegible] گفته اند بحکم حرام از جهت استخباث و بعضی از حشرات
کذا فی البزازیه [illegible] نزد شافعی مباح نزد امام برای غرض صحیح و الا نه خیل اسپ
اسپان واحد از لفظ آن نیامده و در حدیث از خوار داشتن و سوار کردن آنها منع آمده و اول
کسیکه بر اسپ سوار شد اسمعیل بود و نام اسپ جبرئیل علیه السلام حیزوم است و از انس
مرویست که هیچ چیزی [illegible] نزد رسول خدا صلعم از اسپ [illegible] و حکم حلال نزد شافعی و حنبل
و صاحبین [illegible] روایت از امام اعظم [illegible] مکروه تحریمی
نزد امام مالک [illegible] و در علمای حنفیه هم در تنزیه و تحریم اختلاف است کذا فی الهدایه
[illegible] کذا فی الکافی و در محیط [illegible] در حالت صحت مکروه و در
حرب حلال بالاجماع [illegible] زکوة نیست وهو المختار کذا فی [illegible] خواص
در آخر درجه دوم گرم و خشک اکل آن موجب شجاعت و کبابش با شیر تقوی باه و [illegible]
و اگر دندانش بر کودک بندند دندان بی الم برآید و اگر سرگین او دود کنند وضع حمل [illegible]
و [illegible] کوچک [illegible] که مردم از تعجب شوند بفارسی [illegible] اند و [illegible]
اکثر [illegible] حلال بالاتفاق خواص صاحب منهاج گفته که [illegible]
افضل طیور [illegible] بفارسی [illegible] گویند که ماده [illegible]
[illegible] و حکم حرام چه الذی ناب است و نزد مالک مکروه
خواص اگر زهره او بر ران راست بندند [illegible] و اگر طفل [illegible] بندند
[illegible] حرکت دال واحد دجاج مذکر و مونث [illegible] بفارسی
ماکیان [illegible] حکم حلال و آنحضرت هم خورده اند مگر بعد امساک چند روز
و اگر از ماکیان مرده بیضه برآید روا است اکل آن کذا فی الذخیره خواص [illegible]
جوان [illegible] و بعضی [illegible] دست [illegible]
[illegible] است که اگر [illegible] در گردن [illegible] باه [illegible]

علما از بهر او و بزرگ و مجامعت با زن زن را البته کند و آن چراغ معروف است و از سکینه با شکل
ماده ۳ حکم حلال بالاجماع و نزد امامیه ولق دلمه و آن کوچک قریب بسنجد و در روش بلنگا
... و از پشت آن علق سازند حکم نزد شافعیه حلال و نزد امام ما حرام کذا فی کنز العباد ولد
... پشت بزرگ کذا فی قاموس و دلدل بکسر با اضطر است لاجرم اشتر رسول مقبول دلدل نام بود
خارپشت و دلدل و قنفذ [illegible] گاو میش ست و در بلاد شام و مغرب و عراق بسیار بود حکم حلال
نزد شافعی حرام نزد حنفیان و دیک بکسر خروس هر ماکیان با بچه دو الفت بسیار دارند و ابلها
و از عجایب آنکه اوقات شب می شناسد و کبار شافعیه اعتماد بر خبر و بچه سپس در اوقات نماز عجایب
دارد و در حدیث آمده که بر آسمان خروسی است چون او آواز کند همه خروس بخروش آیند و نیز
[illegible] که مرغ سپید دوست من و دوست دوست من است و نیز فرموده که وقت آوازش دعا کنید که او فرشته را می بیند
کند حکم حلال بالاتفاق و آنحضرت خورده خواص زنیکه آبستن نشود خصیه او بریان کرده
خورد [illegible] از پس جماع است کند آبستن شود و اگر [illegible] بند و [illegible] شود و هنگام
جماع و اگر خون او [illegible] باشد و اگر [illegible] بندند و [illegible]
غالب آید پس ذباب مگس حکم حرام نزد حنفیان و غزالی فرموده که اگر مگس [illegible] طعام پخته گردد
مباح است و ذئب بالکسر گرگ از غرائب حال او آنکه بیک چشم خوابد و بدیگر پاسبانی کند و چون
زنند فریاد نکند و از یک فرسخ بوی مردار می شنود حکم حرام بالاتفاق زیرا که ذی ناب است خواص اگر
سر او در کبوتر خانه آویزند گربه نیاید و چشم راست او اگر کسی با خود دارد هرگز نترسد و زهره اش با آب
اگر بر ذکر مالند زن دوست دارد و هرگاه طبلی از پوست گرگ سازند و در میان طبلها زنند دیگر طبلها
پاره شوند و اگر زنی بر شاخه او نشیند هرگز آبستن نشود کذا فی البرهان القاطع و دم گرگ گفته اند
صبح کاذب [illegible] گرگ [illegible] گرفتار [illegible] گرگ آشتی مکر و فریب [illegible] سرخی و سکون [illegible]
[illegible] سیاه [illegible] حیوة الحیوان گفته که مشابهت
با کرگس دارد و بزرگ جثه و در کوه و بیابان می باشد و در بنگاله و هند قریب دریا بالکثر باشد و از حیوانات
بسیار [illegible] امام شعبی فرموده که اگر افعی [illegible] و اگر [illegible] بودی خبر
می بود حکم حرام زیرا که مردار خوار است کذا فی الهدایه خواص اگر پر او در خانه سوزند حشرات بروند

زرافه — وبلاد ترکستان گاهها و بآسانی نیاید زرافه بفتح زا و مهمله مخففه فارسیان اشتر گاو آرند
قطامی فرماید که زبی و فرش زرافه آید و در فارسی اشتر گاو پلنگ گویند چه سر و گردن
او مانند شتر و دست و پای او چو دست و پای گاو و بدن به پلنگ می ماند و در بلاد حبش
می باشد حکم نووی فرموده که حرام است و بخطاف از حنابله حرام گفته و حسین شافعی حلال گفته و
زرزور — بغوی بر آن فتوی داده و همین مذهب مالک و حنبل است و قواعد حنفیه نیز مقتضی حل است زرزور
بضم هر دو زای معجمه شارک و آن پرنده ایست سیاه مانند طوطی سخن گوید و در برهان است که
مرغی است خوش آواز که آواز او بچهار طرز تشبیه کرده اند و در حیوة الحیوان گفته که نوعی از
عصفور است و بعضی هزار داستان را گفته اند والله اعلم حکم حلال است خواص سر او و
زنبور — باه افزاید زنبور بضم مگس شهد و آنرا انواع است سیاه و سرخ و زرد حکایت شخصی دشنام
میداد ابوبکر و عمر رضی الله عنهما را و در سفر بود چون بتقاضای حاجت رفت زنبورها گرد او
فراگرفتند و چندان نیش زدند که هلاک شد و از دیگر مردم زنهار تعرض نشدند این منقول است از
ابی مختار سمنی حکم حرام و قتلش مستحب بگرسوختن خانه او باتش چنانچه فی زماننا مروج است مسیح
سرطان — سرطان بفتح سین و را مهمله پنج ناخن و چشمان او در دوشانه او و دهن در سینه
هشت پا دارد حکم حرام نزد مالک و در یک روایت از شافعی حلال نزد امام ما حرام و سرطان
بری نیز حرام خواص اگر او را بر درخت میوه دار آویزند بسیار بار آرد و گوشت او برای سل
سلحفات — و دق نافع سلحفات بکسر سین و فتح لام سنگ پشت هر گاه خواهد که جمع شود با باده ماده
بر بدن خشیشه در دهن گیرد فی الحال ماده مطیع شود حکم حلال نزد شافعی و مالک حرام نزد
امام ما خواص ظرف ... بخیه شهوت باخود داشتن سبب قوت باه است
سمانی — سمانی بضم سین و فتح میم پرنده ایست که در زمین پیدا شود ولی پرانیدن نمیرود و در برهان
بفتح سین نوشته و بعضی گویند سلوی همین است که بفارسی کرک گویند حکم حلال
سمک — بالاتفاق خواص گرم و خشک کثیر الغذا بدن را فربه کند و باه زنان افزاید سمک ماهی
و آنرا انواع بسیار است که تعداد آن بجز خالق کس نداند زندگانی او در آب است و گاهی
بر آنکه در بحر تعیش کنند نیز اطلاق کنند چنانچه سقنقور یعنی ریگ ماهی نزد ابی حنیفه بحر ماهی

غیر طافی بجمیع اقسام همه جانور دریائی حرام ست و نزد شافعیه و مذهب صحیح جمله حلال اند
سوای سرطان و غوک و نهنگ کذا فی حیوة الحیوان و نزد اثناعشریه سوای ماهی فلوس
همه حرام و نزد مالک تمام جانور دریائی حلال اند بلی فیج و در شرح وقایه و فتاوی واقعات
وغیره مارماهی را استثنا کرده و در حیوة الحیوان گفته حلال ست بالاتفاق خواص [illegible] در درد
اول و تر در ورم و گوشت او مقوی باه و دافع نزول آب سمع بکسر [illegible] از کفتار [illegible]
کفتار و جرأت کلب ست و بسیار شود و بی سبب سیر دو ماند باو سید و دوانی گزند آدمی
حکم حرام ست سمور جانور صحرائیست که از پوستش پوستین سازند و بحیله آنرا می گیرند و گوشت
او شیرین ست ترکان میخورند و پوست او را دباغت کنند و بیش قیمت باشند و نرم و خوش آیند بود
حکم حلال نزد شافعیه و نزد حنفیان و امامیه حرام ست سنجاب بفتح حیوانی ست که در
اطراف ترکستان بود باشد موش بزرگتر از ان و موی او بغایت نرم و شیرین پوست او
ابلق ست حکم حلال نزد شافعی و حرام بمذهب حنفی و امامیه و پوست او پاک و نزد شافعی
بی ذبح پاک نگردد شاهین جنس چرغ حرکت او از بالا بنشیب سخت تر و بعضی گویند در وجه
تسمیه آن که مانند تیر از دست حالت میانه دارد و نه سیر باشد نه گرسنه حکم حرام زیرا که ذی مخلب
ست شقراق بکسر شین معجمه و قاف و تشدید راء مهمله طائریست که بزمین کمتر نشیند و خطهای سرخ
و سبز و سپید دارد و آنرا سبزک هم گویند و تاجی دارد و بسیر مانند هدهد حکم نزد حنفیان حرام
و نزد بعض شافعیه حلال خواص گوشت او گرم ست و نافع بریاح غلیظه و طلای زهره او
موی سیاه شود [illegible] دانرا احداث نیز گویند و بفارسی زغن و علیواز حکم حرام زیرا که آنحضرت
بقتل او امر کرده و مراد از قتل تحریم اکل ست خواص هر خانه که دران زغن باشد مار و کژدم
نیاید صقر بفتح صاد و سکون قاف معرب چرغ و او را شکره نیز گویند و اول کسیکه بچرغ
شکار کرده بهرام بود حکم حرام و مالک حلال میداند خواص [illegible] از شاهین خشک
و خنک ترست صرد بضم صاد مهمله [illegible] جانوری کوچک تر از بلبل سر بزرگ
در میان سبز [illegible] باشد و بانگ [illegible] حکم حرام [illegible] گنجشک اول پرنده که روز عاشورا
روزه داشت حکم نزد مالک و بعض شافعیه حلال و نزد اکثر شافعیه و امام اعظم حرام صعوه

در قاموس معنی گنجشک کوچک و در صراح بمعنی سنگانه نوشته حکم حلال بالاتفاق
خواص گوشت او مثل گنجشک ضبع کفتار معروف بحماقت و ابلهی ست حکم در مذهب
شافعی و حنبل حلال و نزد مالک مکروه و نزد ابی‌حنیفه و امامیه حرام چه از ذوات الانیاب ست
و حرام فی ذی ناب آنست که صید بدندان بیشتر کند خواص گرم و خشک طاوس
معروف و در عاش انیست الاصحاء انسی لایمان والعمل حکم اصح آنست که حلال در
مذهب حنفی و مالک و از شافعی دو روایت است و نزد حنبل حرام طیهوج معرب تیهو و آن
پرندیست شبیه بکبک لیکن کوچکتر از کبک و شبیه تر از دراج و بعضی این هر سه را یک نوع گفته اند
حکم حلال بالاتفاق و نزد امامیه هم خواص گوشت آن صبی و حار رطب و نزد بعض
معتدل و هو الصواب و برای تقیه و ضعیف بسیار نافع ظبی آهو و آهوئیکه نافه دارد سیاه
باشد و کلان تر و دندان پیشین او سپید بیرون آمده از دهن و مسکن او تبت و مشک خوشبویست
که جمع شود در ناف او حکم حلال هر نوع آن و مشک طاهر ست و درست استعمال او و آنحضرت
هم استعمال فرموده اند خواص گرم و خشک از بخور شاخ او گزندها بگریزند و زهره او اگر بچکانند
در چشم نشاند عصفور بالضم گنجشک بضم کاف فارسی و کسر جیم مرغ خانگی در شهر خالی از
مردم باو انگیند و در یک نوبت تا صد بار جماعت کند لهذا عمرش کم بود و غایتش یکسال حکم
حلال و خریدنش برای آزاد کردن روا نبود خواص امام شافعی فرموده چهار چیز قوت باه افزاید
اکل عصفور و اطریفل کبیر و پسته و جوز و چهار چیز موجب افزونی عقل ترک کلام فضول و مجالست
با صلحا و عمل بعلم و ترک سوال و چهار چیز مقوی بدن اکل شتر رائحه طیبه کثرت غسل پوشیدن کتان
و چهار مضعف بدن کثرت جماع و کثرت رنج و نوشیدن آب بعد نوم و خوردن ترشی
عقاب بالضم پرنده معروف شکاری ارسطو نوشته که هر سال عقاب غلیواز شود و غلیواز
عقاب و باز گویند که عقاب همه ماده بود و با غیر جنس جفت گردد حکم حرام و قتل او نزد
بعض مستحب و نزد بعض نه مستحب نه مکروه خواص اگر پر او سوزند مارها گریزند عقرب کژدم
مرده را انگیزد و اگر بار دو اشتر و پیل را گزد بمیرد حکم حرام بالاتفاق مگر نزد مالک مکروه تحریمی
دعائیکه از مضرت عقرب محفوظ دارد اعوذ بکلمات الله التامات من شر ما خلق

عقعق عکه پرنده ابلق سیاه و سپید از جنس کلاغ حکم حلال نزد حنفی و از شافعیه دو قول
و نزد حنبل اگر مردار نخورد پاک نیست و نزد مالک و بعض حنابله حلال ف اگر کسی آواز عقعق
شنیده از سفر باز گردد کافر شود کذا فی نصاب الاحتساب عنکبوت حرام ست زیرا که
حشرات ست غراب بالضم زاغ و آنرا چند انواع بود غداف زاغ کشت زاغ سیاه کوهی
زاغ دشت و عقعق و اقسام نادر الوجود و چنانچه حضرت زن صالحه زاهدان تشبیه داده و غراب البین
لقب زاغ دشتی ست حکم در مذهب حنفی بجز غراب الزرع که دانه میخورد و عقعق دیگری
حلال نیست و بعض شافعیه عقعق را هم حرام دانند و ابو یوسف مکروه گفته و رافعی غداف
را حلال شمرده و در اثنا عشریه اختلاف ست در حل و حرمت زاغ و نزد مالک همه حلال اند
والله اعلم خواص اگر غراب سیاه را با بادر سرکه اندازند و بآن خضاب کنند مو سیاه گردد ف غنم
بفتحتین گوسفند روزی در عهد حضرت صلعم عرب افتخار کردند باهم در غنم و شتر فرمود که سکینه
و تواضع در اصحاب غنم ست و تکبر در صاحبان شتر حکم حلال ست بجمیع انواع اگر گوسفند
بوقت دوشیدن پشک در آوند شیر انداخت فی الفور بیرون کردند که شیر طاهر باشد ناپاک
نیست و هفت چیز از ان مکروه تحریمی ست خون زهره ذکر خصیتین فرج غدود و مثانه فاره
موش ضرر رساننده تر از همه حیوانات حضرت صلعم او را فاسق نامیده و حکم بقتل فرموده حکم
حرام بجمیع انواع مگر موش دشتی نزد شافعیه حلالست ف پسخورده موش مکروه و بول
او نجس نبود اگر موش در چیزی افتاد و زنده برآمد خوردنش مکروه بود و اگر در روغن افتاد
و بمرد آنقدر روغن بیرون اندازند و باقی بخورند خواص از سم الفار می میرد و اگر چشم موش باد
در سفر بر کلاه بندد براه رفتن آسان شود و اگر دم او در خانه دفن کنند موشان در نیاید کذا فی
مخزن الادویه فاخته بکسر خا مهمله قمری را گفته اند عمرش چهل سال با آدمی انس دارد و خوش آواز ست
حکم حلال لیکن ترک اکل او مستحب بود و نزد امامیه مکروه کذا فی الشرائع خواص سرگین او
اگر از کودکی آویزند بطور تعویذ صرع دور شود و طلا خون او با خون کبوتر برص را نافع فرس البحر
اسپ دریائی در نیل یافته شود پیشانی مانند فرس و سم شگافته مثل گاو و دم کوتاه مشابه خوک
فراخ رو غلیظ پوست اکثر قتل کند آدمی را حکم حلال نزد شافعی و بعضی گفته حرام بالاتفاق

کذا فی المعدن خواص اگر او را در صحرائی دفن کنند آفت در آن نواحی نرسد و پوستش سوخته
اگر بر ورم نهند ورم فرو برد فنک بفتحتین معرب آن دابه‌ایست که از آن پوستین سازند و گرم‌تر
از سنجاب و خشک‌تر از سمور و لائق معتدل المزاج است حکم حلال نزد شافعی چه از طیبات است
حرام نزد ابی حنیفه چه از سباع است مثل روباه و کذا نزد امامیه فهد بفتح نر و ماده و شکاری ست ازین نوع
و ارسطو گوید که متولد از شیر و پلنگ ست مزاج او مانند پلنگ و طبیعت مثل سگ حکم
حرام لیکن بیع وی و شراء او شکار او روا خواص لحم او ذهن را تیز کند و خون او را به سازد و از
انداختن بول او موش گریزد فیل پیل و نام فیل ابرهه محمود بود و کنیت او ابو العباس و در پنج
سالگی جفت گردد و بعد از دو سال بچه آرد و لیست و به باعث پاک گردد (؟) ایش طاهر ست
آنحضرت صلعم برای فاطمه رضی دو دست برنجن از عاج خریده بود و خود شانهٔ عاج داشت و ابا
خبر طلوم (؟) آنچه ست حکم حرام و از خواص اوست اگر استخوانش از گردن کودک آویزند نفع کند.
قبج معرب کبک آواز که تا گون کند و یک بر دو قسم بود یکی منقار و پاها سرخ دارد نوع دیگر در
پاهای او سپیدی و سبزی باشد و تدرو هم ازین جنس ست و در قرابادین کبیر تدرو
بعضی لوالوشته (؟) و الله اعلم حکم حلال بالاتفاق و شیخ (؟) به بیان کرده با آنحضرت
هدیه فرستاده بود و نزد امامیه هم مباح ست قبره بضم قاف و تشدید با موحده مفتوحه
را مهمله چکاوک مثل گنجشک و در رنگ او سبزی مائل و ابو الملیح کنیت اوست حکم حلال
بالاجماع و در اثنا عشریه مکروه کذا فی شرح الشرائع خواص اکل لحم او مانع اسهال و
صبح باه و بیضهٔ او بهی (؟) اگر بیضهٔ او بر ذکر طلا کرده با زن مجامعت کند فریفته گردد و القم (؟)
کز و علت اثمار بمقدار یک و حب حرام بالاتفاق قاقم بضم قاف دوم دابه‌ایست کوچک
مشابه سنجاب و طبیعت از سنجاب سرد و تر و ارطب (؟) و پوست او سپید باشد مانند فنک
و قیمتش از سنجاب بیش حکم حرام در مذهب حنفی چه درنده است حلال بمذهب شافعی زیرا که
از طیبات ست قراد بضم کنه جانوری که بر شتر و گاو و گوسپند و امثال آن می چسپد
مانند سپش حکم حرام از جهت خباثت و محرم را دور کردن کنه از شتر روا است
قطا بالفتح اسفر (؟) و بکسر و بسکون سین و فتح فا و ضم را و واو و دال مهمله سنگخواره (؟) مرغیست (؟)

گنجشک سیاه رنگ و چند پر مانند شاخ بر سر دارد و در شکل سست فلان احمد قم من الفطا
و مخزن الادویه هندی آن را نوشته حکم حلال بالاتفاق و در ماهیم خواص
در آخر درجه دوم گرم و در سوم خشک سیچشم کشیدن خون گرم آن مزیل بیاض و شبکوری
قمری معروف منسوب بقمر که بلدی است گزند یا از مشش گریزند و بعد موت سر باده
جفت نگیرد حکم حلال بالاجماع چه از انواع کبوتر است و همین حکم نزد امامیه خواص
گرم و خشک موافق سرد مزاجان و بودش در خانه دافع سحر و چشم بد از اهل آن قنفذ
بضم قاف و آخر ذال معجمه خار پشت چون کسی قصد اخذ او کند اندام را افشاند خارهای
او چون تیر جهند و بر آنکس نشینند و بار بخود می کشد و هلاک می کند و خوشه انگور خورد حکم
حلال نزد مالک و شافعی حرام نزد ابوحنیفه و حنبل و امامیه خواص طلای زهره او دافع بهق
و اگر موی کند و بمالد موی بر آید و خون او بر جای گزیدن سگ مالند نفع دهد کرکی بضم
کلنگ پرنده ایست کبود رنگ دراز گردن بزرگتر از لک لک با هم سیر کنند در پس سر دارد چون
و چون مادر پیر شود ضایع نگذارند همراه دارند حکم حلال بالاتفاق و نزد امامیه کذا فی الشرایع
خواص زهره او اگر کسی با خود دارد دلیر شود و اگر دماغ او با روغن زنبق در
دماغ چکانند چیزی فراموش شده یاد آید کلب بمعنی سگ ناخن
و بخواب و باو فادار حامی خداوند خود و مالوف مردم و گفتار با او عداوت دارد
ابن عباس فرموده سگ امین به از صاحب خائن حکم حرام است بجمیع اقسام
نجس عین و نزد مالک پاک و پوست او بدباغت پاک نشود کذا فی مواهب الرحمن
و اگر در آوندی آب خورد هفت بار شوید نزد ائمه ثلثه و نزد یک امام مانند حکم سائر نجاسات
دارد و از گذشتن او پیش مصلی و همچنین از مرور زن و حمار نماز باطل نشود مگر آنحضرت
بنا بر فرید اهتمام سترة گرفتن فرموده بیع سگ نزد امام روا و نزد شافعی نه و شکار کرده
سگ معلم حلال است گحگا بضم لام و فتح حا حطی کرمی کبود مانند کرپاسه و گویا ماهی است
چون آدمی را بیند در ریگ غوطه خورده و در زمین می ماند حکم حرام است چه از حشرات بود
لقاق حرام بالاتفاق ملاعب ظله مرغیست که بسایه خود بازی کند و اخرا خطاف

و زنبور آن نیز گویند طایری است کوتاه‌تر و هوشیارتر عنقریب می‌رباید ماهی را و این نیز نشان می‌خواند
و بر کنار دریا و آب باشد و یک پا باز و یک پا بسته او یک پا در آب دارد حکم حرام زیرا که وی مخلب است
نحل بالفتح زنبور شهد و در انها پادشاهی دقاقی که تو او را و کبیر و غیره مانند انسان باشد یعسوب
یعسوب نام پادشاه است و چنانکه حضرت صدیق اکبر انتقال فرمودند حضرت علی بر در ایستاده
می‌گریست و میفرمود که تو والله یعسوب المؤمنین و یعسوب الدین لقب علی کرم الله وجهه است
حکم حرام بر اصح مذهب شافعی و نزد امام قتل او نباید و شهد شمع حلال طیب است خواص
شهد تازه گرم و خشک و دفع استرخا و استسقا و یرقان و حصر البول و انواع ریاح و سموم
بارده و مفتت حصات و اگر با مشک آمیخته در چشم کشند نافع نزول و هر که سموم خورد و مریض نشود
نسناس بکسر و بعضی بفتح نیز قسمی از خلق که یکپا می‌جهد و پای دیگر ندارد و در حدیث آمده که قومی نسناس
است از عاد مسخ شد و یک پا و یک دست دارند و می‌جهند مانند طیور و می‌خورند مانند بهائم و بعضی
گویند که از انها باقی نمانده و این خلقی جداگانه است و بعضی تفسیر نسناس کرده‌اند بعضی گویند نسل آدم
والله اعلم حکم حرام است بالاتفاق نسر بالفتح کرکس و آن مردارخوار بود و عمر دراز دارد و بعضی نسر
تا هزار سال گفته‌اند و بسیار تیز چشم که از چهار صد فرسنگ می‌بیند و بوی خوش شمیدن
می‌میرد و بسیار سخت پرواز است که در یک روز از مشرق بمغرب رود حکم حرام
از جهت خباثت و پلید خواری و در بعضی نوشته که نجس است خواص حامله اگر پر او
وقت وضع زیر خود نهند زود زاید و اگر کسی استخوان کرکس با خود دارد از صداع و غضب ملوک
ایمن بود و جگر او سوخته نافع باد نعامه بالفتح شترمرغ بغایت آتش خوار پایش مانند نعامه
گاو و گردن مثل شتر و عظیم الجثه رنگش غبارآلود و بال سپیدی و نرش را ظلیم گویند
و آب گاهی نه نوشد و گوش ندارد حکم حلال بالاجماع نمر بفتح نون و کسر میم نمر
پلنگ که کوچکتر و جسته‌تر از شیر و پوست او نقطه دار سیاه و سپید و بسیار خشم و بوی دهن
او خوش بود بخلاف سائر درنده و شراب را بسیار دوست دارد و آنرا است که ده
در دام آرند و مرد از شیر رود و تا قدر چهل گز جست می‌کند و شبیه یوز در شکل و رنگ و بسیار شرم
است و جثه از سگ بزرگتر و سبک‌تر و تیزتر حکم حرام بالاتفاق مگر پوست او

مذهب ما پاک ست بر یافت و بمذهب شافعی پر یافت هم پاک نگردد و خواص پیه وی
نافع قولنج و درد جراحت اگر موی او را بخور کنند گزدم گریزد و نمله بالفتح مور چه
جفت نشود بلکه چیزی اندک از وی بزمین افتد و آنرا ابابای بیضه نمیند و در تلاش رزق
پر حیله ترست و بعضے گویند که نمیخورد بلکه بوی دانه زمین ماند و وقتیکه پیر شود گنجشک را
صید کنند و مورچه خسته خرما را بردارد و قوت شامه او بسیار غالب تر دارد و حکم نزد امام ما و
در اصح مذهب شافعی حرام و نزد مالک حلال با کراهت قتل او اگر ایذا دهد مکروه بلکه حرام
والا جایز و دانه و دهان مورچه خوردن مکروه خواص بیضه او اگر بر بناگوش بچه بمالند موی بر نیاید
اگر در خانه مور بسیار شود و سرخ باتلقیح جانوریست خرد تر از گربه و در فارسی دلنگ گویند و در برهان
نوشته که دلنگ بتحقیق شبیه بگربه کبود رنگ و در صحاح گفته [illegible] ست و بعضی گویند
دابه کوچک سیاه بزرگ تر از [illegible] والله اعلم حکم حلال نزد مالک و شافعی مکروه نزد ابیحنیفه
و بروایتی مباح و حرام نزد امام [illegible] و در حیوة الحیوان گفته [illegible] معروف و
آن [illegible] ست و بعضی گفته اند که [illegible] گنجشک و بسیار دوست [illegible]
بچه خود را [illegible] خود را هلاک کنند حکم حلال ست چرا از طیبات ست [illegible] حکم در مذهب [illegible]
خواص گرم و خشک و گوشت آن مانند کبوتر صحرائی و نافع فالج و سرد [illegible]
جانوری مانند حلپاسه و آنرا ابابای [illegible] گویند جانوریست [illegible] از جنس حلپاسه بیشتر
در ویرانها باشد [illegible] اگر [illegible] در چشم [illegible] اغلظ اند [illegible] آن [illegible] خورده
[illegible] کرده حکم حرام چرا از حشرات [illegible] ست و در عالمگیری نوشته که [illegible]
و اگر در چاه بمیرد [illegible] و نوشته در بحر الرائق [illegible]
آنچه در بحر الرائق ست حکم [illegible] ست [illegible] صحیح نیست پس روایت عالمگیری و بحر الرائق
مطابق شد [illegible] بضم [illegible] معروف در فارسی پوپک گویند و او وکیل سلیمان علیه السلام
بود و آب را از زیر زمین می بیند حکم حلال بمذهب حنفی و بیک روایت از شافعی خواص اگر
پر او را بخور کنند گزند باد [illegible] شوند اگر او را با بام آویزند از سحر در امان باشند و اگر [illegible] کسی
با خود دارد بر دشمن ظفر یابد [illegible] شهری قصه [illegible] و انکه [illegible]

موشها ضرر بسیار رسانیدند مردم شکایت پیش حضرت بردند آنجناب بحکم رب الارباب
دست بر سر شیر مالیدند او را عطسه آمد و گربه پیدا شد کذا فی تاریخ فرشته آنرا در آخر زمستان
شهوت غلبه میکند پس متصل فریاد کنند و فیل از گربه می ترسد و در یکسال دو بار حامله میگردد و حکم
حلال و پاک نزد شافعی و حرام بجمیع اصناف نزد امام اعظم و مکروه نزد امامیه و مالکیه و
از حنبل روایات مختلفه آمده و اصح آنکه حرام است نزد او و فی بیع گربه خانگی درست و قیمت آن
حلال و نجس خورده او مکروه تنزیهی و هو الاصح کذا فی الخلاصه و اگر دهان در چیزی اندازد و اگر
موش هماندم خورده باشد آنچیز نجس است و الا مکروه و قتل گربه اگر ضرر رساند بمذهب شافعی روا
و الا ناروا و در مذهب امام بکارد و نیز پیش برند اگر موذی است و اگر حامله باشد در هیچ حال
درست نبود مگر اولی آنست که گربه را نکشند اگر ضرر رساند او را بسته گوش بمالد خواص بستن
جگر او مستحاضه کثیر النفع است یربوع بفتح تحتانی موش دشتی دو دو پا نیز نامند حکم حلال
نزد شافعیه و مالک حرام نزد ابی حنیفه و امامیه و از حنبل دو روایت است خواص در
درجه سوم گرم و خشک ملین طبع **خاتمه** در ذکر احکام حیواناتیکه انسان با آنها وطی کرده باشد
و ذکر حیوانات دریائی و قاعده سه فایده حکم حیوانات هنگام نیافتن کدامین نص بر حلیت
و حرمت آنها **فصل** حیوانات موطوءه حلال است باصح مذهب شافعی و در منهاج نوشته
که ذبح کرده شود و خورده شود و نزد امام با واطی را اکل روا نیست و نزد مالک همه را جائز بود و
و امام حنبل فرماید حرام مطلق است و از اصحاب شافعی دو قول است بعضی مطلق حلال گفته اند
و بعضی برای غیر واطی و در عینی نوشته که بر واطی همیشه حلال نیست لیکن تعزیر بالاجماع است
پس غیر ماکول اللحم را ذبح کرده در آتش سوزند و اگر ماکول است خورده شود و اگر بهیمه ملک
واطی نیست مالک را گویند که بواطی دهد و قیمت بگیرد و سوختن برای دفع عار و علیت تا مردم
تذکره آن نکنند و نیز بنا بر قطع تناسل و توالد کذا فی الزیلعی و در شرایع فقه اثنا عشریه مرقوم است
که در حیوانات موطوءه حرام است گوشت او و گوشت نسل او **فصل** حیوانات دریائی چون بجز
ماهی نباشند بشرطیکه معیشت در خشکی هم ندارد و باصح مذهب شافعی حلال اند
و اگر بصورت ماهی باشند حلال اند بالاتفاق پس غوک و سرطان

دیار و دیگر دوم دریایی حلال نبود و مراد از حیوانات غیر طیور اند و بط و مرغابی و غیره حلال ست بالاتفاق
نزد حنفیان جمیع حیوانات دریا بجز ماهی که در دریا مرده نباشد حرام اند و در کتب حنفیه حل و حرمت طیور دریا صراحة
بذکور ست پس آنانکه پنجه کش اند چون چرغ و غیره حرام اند و یا مردار خوار اند آن نیز حرام و باد دار اشیا
حلال بود و در ماهی اختلاف ست و نزد شافعی جمیع مرغان آب حلال اند بلکه تفصیل فصل در شرح طیور
نوشته چون یابیم حیوانی که در حلت و حرمت آن نص وارد نشده و نه برای قتل او امر و منع آمده پس گوییم جانب
عرب اگر عرب و ساطیب انکار ندیا بنام جانور حلال نامش نهند حلال ست و اگر آن را انکار نمایند و از آن
انکار آرند یا نامش ایشان بنام جانور غیر حلال ست حرام ست و اگر عرب باهم مختلف اند یا شیوه بهم
در حال آن اعتبار دارم قریب ترین حیوانی را که با او مشابهت در طبیعت یا صورت دارد حکم آن گنیم
و اگر همچنین حیوانی هم یافته نشود پس در ان حل و حرمت دو وجه داریم و نووی نوشته که اصح
در ان حل ست چه در اصول شافعی ست که اصل اشیا قبل از ورود حکم شرع اباحت ست و بعض
شافعیه رجوع بشریعت سابقه کنند و فیه انکه کل بر تغیر احکام سابقه نیز و بعض اهل اباحت ست مطلقا
با دا نیکه تسخ بودن ان معلوم نشود و حنفیه گویند که تا نص خدا و رسول او نباشد از احکام
بر آن وارد نشود و چه اهل کتاب تحریف بسیار در آن کرده اند و حیوانات بر دو قسم اند
اول آنکه خون ندارند مانند مگس و زنبور و ملخ و ماهی حلال نیست از اینها مگر ملخ و ماهی
آنکه خون دارد و این نیز دو نوع بود یکی آنکه وحشی باشد از این نوع شتر و گاو و گوسفند و مرغ
و مرغ خانگی باتفاق حلال ست نوع دوم آنکه وحشی باشد از این نوع آنچه دندان نیش دارد
و صید کند سبب آن حرام ست چون شیر و گرگ و یوز و پلنگ و کفتار و خرگوش و شغال
و لومزینه و همچنین آنچه ساکن باشد در زمین مانند موش و سوسمار و سنگ پشت و خارپشت و مار و مانند
آن باشد نیز گویند حلال ست و آنچه از طیور چنگال دارد که بدان صید کند حرام ست چون چرغ و
شاهین و عقاب و کرکس و غیره و همچنین مردار خوار از مرغ اباحت نیست یکی آنکه بجز مردار چیزی نخورد
و آن کلاغ سیاه ست این قسم حرام ست دوم آنکه هم مردار و هم دانه خورد و آن زاغ کشت ست حلال ست نوع سوم آنکه
هر دو خورد حلال ست نزد امام اعظم و حرام نزد ابو یوسف با مکروه تحقیق کرده که طاوس تیز حلال ست و مقصود ثبت
و بسیک ولیت از امام محمد اگر حکمه در خواست او آنجز نرسد و الله اعلم بالصواب و الیه المرجع والمآب

فہرست اسامی جانوران حلال و حرام کہ درین رسالہ تحقیقہ بعبارۃ عربیہ ثبت گردیدہ ہمگی را بجہۃ [illegible] درضمن اندراج گردید

شتر اونٹ	اسد شیر ببر	شغال گیدڑ	خرگوش	خرگوش دریائی
خراطین ام حبین [illegible]	[illegible] باکھہ	خطاف پرستوک	گاؤ وحشی جنگلی گائے	بلبل ہزار داستان
استر خچر	باز	[illegible]	طوطی طوطہ	چغد بوم الو
ابغاث	روباہ لومڑی	ملخ ٹڈی	سرگین گردان گبرولا	گاؤ شتر سرگین خوار
سنجاب	حربا گرگٹ	خر وحشی جنگلی گدھا	دراز گوش شہری	حمار قبان
کبوتر	ہدہد [illegible]	مار سانپ	حواصل	ابابیل
شپر چمگادر	خوک صحرائی وحشی [illegible]	خنفسا	اسپ	موسیچہ
خرس ریچھ	ماکیان مرغی	دلق	دراج تیتر	دلدل بڑی سیاہی
[illegible] مرغ	[illegible]	[illegible]	[illegible]	زرافہ شتر گاو پلنگ
[illegible] بھینا	زنبور بھڑ	خرچنگ کنکڑا	سنگ پشت کچھوا	سمانی بٹیر
[illegible]	[illegible] گرگ	سمور	سنجاب	شاہین
شقراق	[illegible]	شکرہ	[illegible]	[illegible]
[illegible] ممولا	گفتار بجو	طاؤس مور	[illegible]	آہو ہرن
گنجشک چڑیا	بکری	کژدم بچھو	عکہ	زاغ کوا
گوسپند	موش چوہا	فاختہ پانڈک	اسپ دریائی دریائی گھوڑا	[illegible] دلہ
فیل ہاتھی	یوز چیتا	کبک چکور	قاقم	[illegible] گلہری
قطا لوا	قمری	خارپشت ساہی	کلنگ قاز	سگ کتا
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کرگس [illegible]	[illegible] مرغ	پلنگ تیندوا	مور چیونٹی	[illegible]
شترمرغ	[illegible]	ہدہد	گربہ بلی	موش دشتی جنگلی چوہا

خلاصه جواب استفتای جواز خطبه فارسی و خطبه منظوم و مانند آن [illegible]
الذهبی [illegible] افضل الازمان اشرف سحابة الدوران [illegible]

الجواب ـــــ بسم الله الرحمن الرحيم خواندن خطبه در زبان فارسی
غیره نزد امام اعظم بلا عذر جائز است مگر مکروه تنزیهی است نزد صاحبین جائز
نیست و این اختلاف فرع اختلافیست که بین الامام و صاحبین است در جواز قرات فارسی
در نماز و عدم جواز آن و فتوی بر قول صاحبین است بلکه رجوع امام بقول صاحبین ثابت
شده چنانچه شیخ عبد الحق محدث دهلوی در شرح سفر السعادة می آرد قال ابن [illegible] خطبه
بزبان عربی بود نزد امام بغیر عربی نیز جائز است و بعضی گفته اند بغیر عربی جز بفارسی
روا نبود و درین اختلاف فرع اختلاف در قرات است انتهی و در عالمگیریة لا یجوز القراءة
بالفارسية الا بعذر عند ابی یوسف و محمد و یفتی كذا في شرح النقاية للشيخ ابي المكارم
ويجوز عند ابي حنيفة بالفارسية وبأي لسان كان وهو الصحيح انتهى وهكذا في الخلاصة
وجامع الرموز وفي الهداية الا انه يصير مسيئا لمخالفة السنة المتوارثة و رجوع امام بقول صاحبین
ثابت است كذا في العالمگيرية والهداية وشرح النقاية ومجمع البحرين والمضمرات و اختلافست
در آنکه نزد صاحبین قرات فارسی مفسد نماز است یا نه تحقیق آنست که مفسد نیست
کذا فی الهدایة والمحیط وشرح ابی المکارم والمضمرات و از انجا که رجوع امام در غیر قرات
از تشهد و خطبه وغیره ثابت نشد پس اختلاف همچنان باقی است یعنی نزد امام مکروه
و نزد صاحبین ممنوع پس اگر کسی خطبه بقدر واجب بعربی ادا کرده و اورا بزبان دیگر همچو این
مضامین [illegible] اگر مشتمل بر کذب و [illegible] باشد و خالی از [illegible] بود و باکی نیست
شعر هر چند [illegible] ممنوع است لیکن اشعاری که مشتمل بر تذکیر و وعظ و مضامین قرآن و حدیث
باشد مستثنی است قوله تعالی والشعراء یتبعهم الغاوون الا الذین امنوا
لیکن با اینهمه خالی از کراهت نبود که این از تعامل سلف نیست [illegible] اصحاب [illegible]
[illegible] شیخ محدث دهلوی در شرح مشکوة و شرح سفر السعادة [illegible]
[illegible]

بصحت نرسیده و در دعاے از آنحضرت ص و آنچه قسطلانی نوشته که بقدر
سورهٔ اخلاص نشسته و در آن چیزے از کلام خدا خواند بپایهٔ صحت نرسیده است
و اسناد در کتب معتمده مسطور نه اما خواندن کلمات حسرت و افسوس در خطبهٔ آخر رمضان
مباح فاما از سلف منقول نیست و افضل ترک است تا عوام را گمان وجوب و سنیتش
نگردد و درین شرط است که روایت دروغ و بهتان بر رسول مقبول صلی الله علیه و آله وسلم
دران نباشد والاحرام چنانکه این شعر اکثر محمد مصطفی محبوب و مطلوب خدا
گفتی دریغا حسرتا اے ماه رمضان الوداع اللهم ارزقنا اتباع سنة الرسول المقبول
و جنبنا عن القول الفضول

خاتمة الطبع

بعد حمد خدای دو جهان و نعت سید انس و جان مژده شنیدنی اباد که درین زمان فرحت
توامان کتاب برکت انتساب هدایت نشان اعنی رسالهٔ تنبیه الانسان در بیان حلت و حرمت
جانوران جامع روایات معتبره مستنبط از کتب معتمده حاوی مسائل مفتی بها مذاهب
حنفیه و شافعیه و حنبلیه و مالکیه و امامیه و مطاوی افعال مخصوص بحوهم تصحیح جمیع انات
موافق قواعد طبیه ایرانیه بجمال اشاعت و اذاعت چنین کتاب نایاب که دیدهٔ زمان
و زمانیان ندیده و گوش جان جهانیان نظیرش نشنیده در مطبع اقبال
مطلع امیر کبیر رئیس فی التوقیر هنر پرور منشی نولکشور صاحب دام اقباله
واقع شهر کانپور بماه ربیع الاول ۱۳۰۳ هجری مطابق ماه جنوری ۱۸۸۶ع مطبوع گردید
علم اشتهار سر باوج فلک کشیده اگر در صور حروف تبدل و تغیر دریابند سبب از صناعت
چاپه انگارند و مصححان را معذور داشته بدعای خیر یاد آرند و هو علی کل شیء قدیر و بالاجابة جدیر فقط